

## حقوق اجتماعی و مدنی زنان در جنبش شیخ محمد خیابانی

### دکتر محمدعلی اکبری

عضو هیئت علمی مدعو دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات تهران

### شهرام پناهی خیابی

دانش آموخته دکتری تخصصی تاریخ اسلام

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

### چکیده

در سال ۱۳۳۵ ه.ق/۱۹۱۷ م، جنبشی اعتراضی به رهبری شیخ محمد خیابانی، از طریق فعالیت حزب دموکرات آذربایجان و انجمن‌های با نفوذ دموکرات‌ها آذربایجان را فرا گرفت و پس از یک دوره گذار، با برپایی قیام کوتاه مدتی از ۱۶ رجب تا ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۸ ه.ق/۹ آوریل تا ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۰ م، به مبارزه با حکومت مرکزی پرداخت. طی سال‌های اشاره شده، یکی از وجوه اشتراک‌های فراوان در اندیشه و اهداف جنبش، نظریه نوگرایی و پرداختن به چرایی عدم تکوین جامعه قانونمند در دوره پس از مشروطه بود. با این ملاحظه، اندیشه‌ورزی جنبش پیش‌نیاز تحقق توسعه‌یافتگی را ایجاد نوعی شرایط فکری در بین آحاد جامعه و نگرش‌های مثبت فرهنگی برای پیشرفت و تحقق جامعه مدنی می‌دانست. و از آنجا که نوگرایی در قالب گسترده آن، یعنی نوسازی جامعه مطرح شد در این بین، توجه به موقعیت اقشار گوناگون جامعه و بویژه، حقوق اجتماعی و مدنی زنان به طور اجتناب‌ناپذیری میسر نظریه پردازان جنبش به یک بحث عمومی و در عین حال، منحصر به فردی تبدیل شد.

اصطلاح فمینیسم، واژه نسبتاً جدیدی در تاریخ ایران است و به نظر می‌رسد این واژه، نخستین بار در سال ۱۳۳۸ هـ.ق/۱۹۲۰م، توسط برخی روشنفکران جنبش عنوان و پیرامون آن مباحث پر دامنه‌ای در باب عوامل مؤثر در بهبود موقعیت زنان مورد بحث قرار گرفته است. پژوهش حاضر، به بررسی شناخت‌شناسی‌های دارای دیدگاه فمینیستی در جنبش خیابانی پرداخته، نشان خواهد داد که آیا این گفتمان اصلاحی تا چه حد به پویای جمعی زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی منجر گردیده است. واژگان کلیدی: جنبش شیخ محمد خیابانی، فمینیسم، زنان، آذربایجان، ایران.

## مقدمه

زنان، در اغلب جنبش‌های ایران (تنباکو، مشروطه، قیام‌های محلی پس از مشروطه و جنبش جنگل) در دوره ۱۳۳۸ - ۱۳۰۸ هـ.ق/۱۹۲۰ - ۱۸۹۰م، که هدفشان ایجاد دگرگونی اجتماعی - سیاسی بوده، در کنار مردان ایفای نقش کرده‌اند. اما، هیچ‌گاه پویای جمعی آنان در شکل یک جنبش مستقل نبوده‌اند.<sup>۱</sup> حداقل، ۴ ویژگی جنبشی اجتماعی مورد نیاز بود که مشارکت جمعی آنان در عرصه سیاسی - اجتماعی به جنبش زنان تبدیل می‌شد، که از میان آنها، تنها ویژگی اول را دارا بوده و سه ویژگی دیگر ضعیف باقی مانده‌اند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

(۱) موقعیت و شرایط زندگی زنان نسبت به مردان تبعیض‌آمیز باشد (مانند تبعیض در کسب آگاهی، شغل، منزلت، ثروت و قدرت)  
(۲) این تبعیضها توسط گفتمان‌های فمینیستی<sup>۲</sup> تبیین شده و راه‌های برون‌رفت از آنها تا حدی نشان داده شود.

(۳) سازمان‌ها و شبکه‌های غیردولتی و مستقل زنان شکل گرفته باشد.

(۴) زنان آماده باشند برای تحقق مطالباتشان صدای اعتراض خود را به گوش دولت و نهادهای مدافع تبعیض برسانند.<sup>۳</sup>

اینک، با توجه به توضیحات اشاره شده درباره ویژگی‌های جنبش زنان، بهتر می‌توان درباره محتوای ایدئولوژی و جهت‌گیری جنبش خیابانی، در موضوع زنان سخن گفت. از میان ویژگی‌های بالا، علاوه بر ویژگی اول، یعنی احساس شکاف و تبعیض میان موقعیت زنان در مقابل مردان، برای نخستین بار در جنبش خیابانی، این وضعیت نابرابری از زوایای گوناگون

توصیف و تبیین شده، ضمن آنکه در این گفتگوها، راههای برون‌شو برای خروج از وضعیت تبعیض‌آمیز زنان به روشنی به بحث عمومی تبدیل شده است. البته، برخی تمهیدات این اندیشه آن بوده که زمینه‌ای فراهم کند که زنان مستقلاً یا با تشکیل جمعیت‌هایی، صدای اعتراض خود را به گوش جامعه برسانند. با این حال، نمی‌توان ادعا کرد این کوشش‌ها به نوعی جنبش زنان تبدیل شده باشد و تنها می‌توان مشارکت زنان آذربایجان را به عنوان بخشی از پایگاه اجتماعی جنبش، که تا حد یک جنبش خرد اجتماعی فرصت فعالیت یافته‌اند، محسوب داشت. هدف پژوهش حاضر، تبیین این مسأله می‌باشد که در ادبیات توسعه جنبش خیابانی، اندیشه‌های مربوط به تغییر موقعیت زنان دارای چه اهدافی در حوزه نوسازی جامعه می‌باشد؟ و آیا گفتمان اصلاحی، در سطح پوشش جمعی زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بوده است یا نه؟ با در نظر گرفتن اینکه مطالبات زنان با شدت و ضعف در قبل و بعد از مشروطه در قالب اعتراف به نابرابری‌های اجتماعی مطرح بوده بنابراین در این تحقیق، اندیشه‌های دارای دیدگاه فمینیستی در جنبش خیابانی مورد بحث قرار می‌گیرد و لذا این دیدگاه، به یک جنبش مهم در دوره تاریخ معاصر ایران اشاره دارد.

اگر فمینیسم در کلی‌ترین معنایش، مسئله حقوق زنان در معنای تاریخی آن باشد، از این‌رو، انگاره‌های این عقیده را می‌توان در بیان نظریه‌پردازان جنبش و ماهیت وابستگی‌یشان به این باورداشت را مورد تحلیلی نقادانه قرار داد. از متفکران جنبش، که از جهات مختلف درباره موقعیت سیاسی - مدنی زنان به بحث پرداختند، دکتر رفیع امین خان و تقی رفعت می‌باشند. خانم شمس کسائی نیز با اشعار خود درباره زنان، تنوع این گفتگوها را دامن زد. مطالب جسته گریخته‌ای نیز توسط خیابانی مطرح گردید و هاشم کلانتری همسو با افراد فوق، مقاله‌هایی را در مجله ادبی آزادستان به چاپ رساند. که در مجموع، با بررسی عقاید آنها می‌توان، گونه‌های مختلفی از ادبیات فمینیستی را به لحاظ محتوا و نوع جهت‌گیری، مشخص نمود.

### ۱- گفتمانهای اصلاحی و عوامل تثبیت مطالبات زنان:

نخستین بار، سلسله مقاله‌هایی توسط دکتر رفیع امین خان، با امضاء «فمینیست»، پس از جمادی الاول ۱۳۳۸ هـ.ق / ژانویه ۱۹۲۰م، در تجدید به چاپ رسید و دنباله بحث را تقی رفعت با امضا «فمینا»، تا روزهای نهایی قیام (۲۹ ذیحجه ۱۳۳۸ هـ.ق / ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۰م)، پی‌گیری نمود.

رفیع امین خان، پیش از آنکه با فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی جنبش خیابانی همگام شود، سالهای متوالی در «دانشگاه لوزان سوئیس»، در رشته پزشکی تا سطح تخصصی تحصیل و به لحاظ ابراز لیاقت در رشته خود، در همان دانشگاه به تدریس پرداخت و همزمان به عنوان «نایب معلم و معاون»، سرپرستی بیمارستان‌های مرتبط با امراض پوستی، بیماری‌های زنان و جراحی را عهده‌دار بود. وی پس از ۱۰ سال فعالیت مستمر، در اثنای جنگ اول به تبریز آمد و مطب پزشکی خود را دایر نمود و همانگونه که گفته شد در سال ۱۳۳۸ هجری، مباحث اجتماعی و فرهنگی خود در بحث زنان را در جریده تجدد ارگان حزب دموکرات آذربایجان به چاپ رساند.<sup>۴</sup>

رفیع امین خان، اولین مقاله خود با عنوان «زنان ما» را منتشر کرد که مضمون دقیق آن به جنبه‌های حقوق مدنی زنان در جامعه ایران و به دفاع از حقوق برابر زنان در مقابل مردان اشاره داشت.

وی در شرح نسبتاً مبسوطی درباره اوضاع زنان جامعه به این امر می‌پردازد که زنان نیز انسان‌اند، شیء، چیز، کنیز و امثال آن نیستند و در انتهای مقاله نیز دولت و سنت‌های جامعه را در بی‌توجهی به حقوق زنان محکوم می‌کند:

در مملکت ما خیلی چیزها ... در بوته اهمال مانده و یکی از آن چیزها «زنان» ما هستند - (تعجب نکنید اگر جسارتاً زنان مان را در ردیف چیزها نام بردیم، زیرا اگر قدری به خود آئید ملتفت خواهید شد که زن ایرانی کنونی بغیر از «چیز»، اسم دیگری را لایق نیست. زن شما چیز شماس) - ... در ایران در هیچ مورد اجتماعی از زن ایران صحبتی در میان نیست. فعلاً نمی‌خواهم بگویم که در ایران همیشه مرد ذیحق است و زن همیشه مغلوب چرا که آن یکی از جنس قوی است و این یکی از جنس ضعیف و نیز نمی‌خواهم بگویم که در ایران زن از حقوق مشروع خود مسلوب است زیرا نه اشخاص حامی او هستند و نه قانون حقوقی او را صیانت می‌کند و نه او هم به حقوق خویشتن واقف و آشناست.<sup>۵</sup>

در کنار جنبه‌های اجتماعی، تقی رفعت<sup>۶</sup> نیز به لحاظ فرهنگی،<sup>۷</sup> خواستار تغییر بنیادی خانوادهٔ مردسالار در جامعه می‌باشد. او برای سودمند نشان دادن این دیدگاه در ایران، توجه اصلی را به مبارزات فمینیستی جوامع اروپایی در دورهٔ قرن هفده تا بیستم، معطوف می‌دارد که طی آن زنان پاره‌ای کشورهای من جمله، آمریکا و انگلیس توانسته‌اند برخی حقوق خود در برابر جامعه مردسالار را بدست آورند. از این رو، پیدا شدن «مسلك فمینیسم، یعنی مدافعهٔ حقوقی زنان»، در

اروپا در نتیجه آگاهی مستمر زنان، و در واکنش علیه آن بخش از جامعه شکل گرفته که خواستار حفظ وضع موجود بوده و در برابرین دیدگاه مرسوم که زن باید در خانه باشد و «مکلف به خانه‌داری»، به امر تربیت فرزند بپردازد، نیازهای جنسی مرد را برآورده کند و عامل «تأمین بقای نسل» باشد و در مقابل نیز، مرد کار کند و مایحتاج و امنیت خانه را تأمین نماید. در این شرایط تاریخی «زن حکم یک عنصر، یک عامل، یک موجود طبیعی را داشت که بایستی تابع قوانینی شود که مرد برای تنظیم اداره مالکانه خود تنظیم می‌نمود».<sup>۸</sup>

هدف اصلی رفعت از این توضیحات، نشان دادن موقعیت برتر زنان اروپایی است که توانسته‌اند در مبارزه با جوامع خود، مهمترین نیروهای بازدارنده توسعه موفقیت خود را مهار و موقعیت نسبی خود را در جامعه ارتقاء بخشند.

البته در مقاله‌های اشاره شده و دیگر مقاله‌های مربوط به زنان، مباحث تعریضی توأمانی وجود دارد که بطور کلی در موضوع حقوق اجتماعی و مدنی مردم این مسئله تصریح می‌شود؛ زمینه فعالیت تمام اقدار جامعه، از جمله زنان در جوامعی اتفاق افتاده که در آن دموکراسی پارلمانی مستقر شده و در همکاری با آن نهاد، دولت مدافع حقوق شهروندان وجود دارد و لذا، مبشران جنبش تأکید فراوانی نسبت به پی‌گیری مطالبات زنان از طریق نهادهای حکومتی دارند. با این ملاحظه، اندیشه جنبش در موضوع زنان، به نقد جامعه مردسالار می‌اندیشد و اذعان می‌شود در جامعه ایرانی، فشارهای مختلفی به لحاظ سنت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، تلقیات مردم و نظایر آنها به طرفداری از اینکه زنان محدود باقی بمانند وجود دارد<sup>۹</sup>، و یکی از مهمترین راه‌های برون‌رفت از این اوضاع نیز به کوشش‌های دولت در آگاهی بخشیدن مداوم مردم و یا اقدامات عملی با هدف اصلاح چهارچوب‌های جامعه سنتی وابسته است و لذا، کوتاهی دولت در این باره، بارها مورد تخطئه فراوان قرار گرفته است.<sup>۱۰</sup>

به رغم انتقادهای صریحی که نسبت به برخی مظاهر سنتی جامعه ایران صورت می‌گیرد در کل، تلاش رفیع امین خان و تقی رفعت بر این اصل استوار است که گفتمانهای مربوط به زنان با ارزش‌های از پیش موجود جامعه ایران تطبیق شود. رفعت، با انتقاد از نوعی فمینیست در مباحث اروپایی که بیشتر داعیه‌دار تفاوت ذاتی زنان با مردان است و از برتری زن به عنوان روش زندگی دفاع می‌کند، توجه را به بحث معقول‌تری در زمینه فمینیست عملگرای منطبق با جامعه ایران معطوف می‌کند. او در تشریح این نظر، می‌نویسد:

... «فمینیست» در اصطلاح امروزی شخصی را می‌گویند که طرفدار نسون بوده و از حقوق حقه آنان مدافعه می‌کند، برای بهترین احتیاجات و اصلاح وضعیات انفرادی و اجتماعی آنان مجاهدت می‌ورزد، به عبارت آخر، پیرو و سالک مسلک «فمینیسم» می‌باشد. یک عده، طرفداری از نسون را از نقطه نظر منافع و محفوظات شخصیه خودشان تلقی نموده، در پیش معبوده نساء زانوی پرستش به زمین می‌گذارند؛ طریق ثناخوان و مدافعه پیش می‌گیرند، و از روی کمال تعبد، عواطف روحیه و اقدامات شخصیه را که ممکن است در زنان موجود باشند نوازش می‌کنند و می‌ستایند. برای تکمیل اسباب گمراهی ایشان در صدد گشودن راههای جدید و ایجاد ضلالت‌های نو به نو می‌آیند ... اصل فمینیسم یعنی طرفداری واقعی از نسون، بکلی غیر از اینست: مدافعین صمیمی حقوق زنان، فقط آسایش و استراحت مادی و معنوی زنان را در نظر می‌گیرند. جد و جهد می‌ورزند که وضعیت حیاتیه آنان را در توی خانواده و در خارج آن، به هر صورت در آغوش هیئت جامعه، اصلاح و تصحیح نموده با قوانین موضوعه، حمایت کامل از استقلال مادی و معنوی زنان به عمل بیاورد. آنان را به طرف یک تکامل هر چه بهتر و یک سعادت ممکن- الحصول ارشاد و هدایت نمایند. بنابراین «فمینیست حقیقی» فضاثل حمیده نسون را تشویق و تشجیع کرده، از ضعف و ناتوانی‌های آنان متألم و متأثر می‌گردد و در اصلاح معایب ایشان از هیچ نوع فداکاری کوتاهی نمی‌ورزند ...<sup>۱۱</sup>

نظرات مربوط به نوسازی جامعه زنان با شرایط ایران و در این موضوع، مشخص کردن جایگاه زن، حدّ و مرز زن، سرشت زن، از جمله سوءالاتی است که مؤکداً از طرف رفعت، در برخی موارد از ناحیه خیابانی به آنها پاسخ داده می‌شود. برای نمونه، رفعت در سلسله مقاله‌هایی با عنوان «مدپرستی»، به برخی عادت‌های زنان شهرنشین در تقلید از پوشش‌های غربی، اعتراض کرده و آن را مغایر با ارزش‌های فرهنگی جامعه ایران و به اصطلاح خودش «مغایر اخلاق و دشمنی شرافت و ناموس»، می‌داند.<sup>۱۲</sup> او در این مورد، زنان ایران را به هوشیاری نسبت به مفهوم واقعی مکتب طرفداری از زن فرا می‌خواند و در مسائل نوگرایی، جنبه تقلیدهای کورکورانه از جوامع غربی را مردود می‌داند. به اعتقاد رفعت، زنان با تکیه بر هنجارهای خانوارهای ایرانی نیز می‌توانند در عرصه فعالیت‌های اجتماعی شرکت جویند و این کار چندان دشواری نمی‌باشد. آنها به راحتی می‌توانند «یک لباس مؤدب، ساده و پاکیزه، یک لباس متناسب با مقتضیات اقلیم و آب و هوا و مطابق تعلیمات فنون جدید» بپوشند و احساس احترام جامعه را بر خود برانگیزانند.<sup>۱۳</sup>

خیابانی نیز، از توسعه سطح اخلاق و فرهنگ زنان جامعه دفاع می‌کند به شرط آنکه روش‌ها و الگوهای ارائه شده مانع کارکرد موفقیت‌آمیز زنان در جامعه دموکراتیک نباشد. وی خاطر نشان

می‌کند؛ زنان در حوادث پس از مشروطه بارها شایستگی خود را نشان داده‌اند و حتی اگر لازم شده به «بواسطه فروختن اسباب زینت خودشان [در برابر دشمن خارجی] به امداد دولت شتافته‌اند»<sup>۱۴</sup>. اگر مردان در جامعه مسئولیت‌های بیشتری دارند، زنان نیز شرایط برابری را باید دارا باشند، ولی نباید سیر و جهات تغییر در ظاهر و تقلید باشد، شعار داعیه‌داری برابری زن و مرد نباید نوعی احساس خلاء در جامعه بوجود آورد که به جای روی آوردن این بخش از جامعه برای احراز نقش‌های اجتماعی، آنها را به مظاهر تقلیدگرایانه‌ای چون مدپرستی بکشاند. برای نمونه، خیابانی در نطقی می‌گوید:

ممانعت از لباس‌های فرم جدید است، این تصور بکلی بر خلاف واقع و بی‌مأخذ است ما طرفدار تجدد هستیم و هرگز ممکن نیست یک کلمه ارتجاع‌آمیز و یا محافظه‌کارانه از زبان ما صادر شود. این سؤتفاهم ناشی از این بوده است که عالم نسوان ما، نمی‌توانند در اجتماعات شرکت جویند، جای افسوس است ولی باید بدانید که این عالم جداگانه ولی عظیم و مهم که عالم صافترین قوای حیاتی خود را از آن کسب می‌نماید دارای یک اهمیت بزرگی است. نسوان، هم یک جماعتی تشکیل می‌دهند که آن نیز در مقدرات این مملکت و در آینده این دموکراسی سهم بزرگی را دارا می‌باشد. ... ما مشاهده می‌کنیم که بانوان در مدپرستی راه افراط را پیش گرفته‌اند، در این کار ناپسند رقابت می‌کنند ... اصلاحات قیام، باید در عالم نسوان هم نفوذ پیدا نماید، هر ملتی با سنجیه (حدود تجدد) خود تمایز می‌کند. مجموع اخلاق و صفات ویژه، سنجیه را تشکیل می‌دهد، ... باید شما حاضر شوید تا عادات قبیحه و حالات روحیه سقیمه را مبدل به عادات و حالات صحیحه کنید روح شما بشاش و با نشاط باشد والا موفقیتی بدست نخواهید آورد. و فراموش نکنید که آینده ایران، بستگی به موفقیت‌های شما دارد.<sup>۱۵</sup>

البته در پاره‌ای موارد، تفکرات و اعمال نوگرایانه در جامعه در ارتباط تنگاتنگ با ارزش‌های از پیش موجود جامعه قرار گرفته، مباحثی را بر می‌انگیخت. برای مثال، یکی از زنان محفل تجددگرایان تبریز به محتوای یک نمایشنامه کم‌دی روسی که در این شهر به صحنه آمده بود اعتراض می‌کند و مضمون نمایش را منافی با ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی زنان آذربایجان می‌داند.<sup>۱۶</sup> تقی رفعت با پذیرش این انتقاد، آن را بهانه‌ای برای نگارش مقاله‌ای با عنوان «صنعت و اخلاق»، قرار می‌دهد. وی در این مقاله می‌گوید؛ ماهیت هنر در دوران جنبش نوزایی، مبشر روحیاتی چون برانگیختن احساسات غم و شادی، لذت‌جویی، زیباپرستی و ... می‌باشد. رفعت، این طرز تلقی را زمانی مناسب می‌داند که بتوان هنر را با آفرینش‌گری و برجستگی شخصیت که از فضائل انسان نوین می‌باشد توأم نمود و در ارتباط با تغییر عادات جامعه زنان، هنر را وسیله و

فرصتی قرار داد برای ابراز هویت اجتماعی و فرهنگی این جامعه. به نظر وی، رابطه هنر و اخلاق در مسائل زنان عبارتست از «احیاء یک صنعت دموکراتیک، خادم اخلاق دموکراتیک «یعنی» تولید حظوظات نفیسه در دموکراسی، بدون جرح و تصدیع اخلاق دموکراتیک»<sup>۱۷</sup> رفعت، شعار «صنعت برای صنعت»، را به کار می برد و در نهایت تصریح می کند: «صنعت را ترویج می کنیم که با اخلاق عمومیه دموکراسی ضدیت و منافاتی نداشته باشد. مقصود ما از تعبیر مذکور: مجموعه قوانین و شرائطی است که در تحت آن نسبت به درجات هیئت جامعه در هر قرن زندگی انسانی، قرین سعادت و خوشبختی تواند بود».<sup>۱۸</sup>

افزون براین، رفعت با توجه به تحولات جدید جامعه ایران پس از مشروطه اذعان می کند؛ پاره ای از جنبه دگرگونی ها، به مثابه آنچه که جوامع غربی نیز دوره گذار آن را طی کرده اند، ممکن است اوضاع زنان ایران را دچار بحران ارزش ها، بحران روابط و گسستگی نموده و روابط متقابل افراد خانواده را دچار اشکال نماید. در این شرایط، مطالعه صحیح می تواند در پیشگیری این چالش ها سهم مهمی ایفا نماید. او با اشاره مجدد به دریافت های نادرست از تجددگرایی برخی زنان در گرایش به مسائلی چون، «مدپرستی و تبرج»، نگرش های مثبت فرهنگی برای جلب «عواطف» در خانوارهای ایران را پیش نیاز توسعه زنان عنوان می کند.<sup>۱۹</sup> و در جای دیگر، مشخصات یک زن نوگرا مطابق با شئونات دوران معاصرش را، اینگونه توصیف می کند:

زن باید، نظیف و پاکیزه - در خور ستایش و شایسته محبت باشد - نظافت و پاکیزگی اولین شرط است و اساس حسن و زیبایی ظاهری او را تشکیل می دهد و وسیله تجلی فضائل حمیده او می گردد حسن زیبایی حقیقی زن، واقع در پاکی فطرت و ضمیر اوست، یک فکر ترتیب شده عاری از آثار جهل و نادانی متوازن؛ یک دل شفیق و روشن، صاف و عالی طبع یک هوش آزموده ... دستهای هنرور و کار کن.<sup>۲۰</sup>

همسو با نظرهای اشاره شده، رفیع امین خان نیز سعی بر آن دارد تا الگوهای زنان در قالب موقعیت خانواده و در توجه به تحولات جدید جامعه در ایران و جهان را جستجو و حقیقت یابی نماید. به گفته وی: «امروز اوضاع جهان به کلی تغییر یافته و بشریت کنونی هر دم احتیاجات تازه و مبرمی احساس می کند»<sup>۲۱</sup> و به ویژه، آنکه فرآیند مستمر دگرگونی ها، ماهیت نقش های اعضای خانواده را دستخوش تغییر تدریجی نموده است. برای مثال، مادران به صورت عرفی فرزندان خود را تربیت می کنند ولی ایفای نقش صحیح آنها منوط به این است که مادران نیز خود طرف احترام و آموزش جامعه واقع شوند. نگاه شئی انگارانه به زن، نقش تربیتی مادر را



دچار اختلال می‌کند. به گفته وی، نگرش جامعهٔ مردسالار به زنان، همان نگاه گذشته است که بر اساس آن «مادران پدران ما جملگی زن بودند و زن هم جزو ملزومات است»، ولی شرایط معاصر، ایجاب می‌کند که مادران نیز آموزش یابند تا دختران خود را آموزش صحیح دهند. به آنها علاوه بر امور خانه‌داری، آداب و معاشرت اجتماعی را بیاموزانند و زبان مادری را به شیوهٔ صحیح به فرزندان خود یاد دهند. و از این طریق، آنها را برای مشارکت سیاسی جامعه در پایبندی به قومیت و ملیت، به دولت و قانون، آماده نمایند. به دخترانشان، روحیه و جسارت شرکت در مسائل اجتماعی و اقتصادی را منتقل کنند. امکان حضور اولاد خود، «در مدارس [برای] کسب علوم، فنون و صنایع» را فراهم نمایند تا زندگی اجتماعی دختران، تداوم خود را با توجه به دگرگونیهای جامعه حفظ گردد.<sup>۲۲</sup>

اساس دیدگاه‌های اشاره شده، جریان تحول، انتقال و تکامل مبنی بر توسعه موقعیت زنان در خانواده را مدنظر قرار می‌دهد. ولی نکته‌ای که رفیع امین خان در تحقق این امر بدان اشاره دارد اینست که آیا مادران در خانواده‌های ایرانی امکان آموزش و درکل امکان تحرک اجتماعی برایشان فراهم هست تا بتوانند برای دختران خود الگوی مناسبی باشند؟ در پاسخ به این سؤال، او می‌گوید:

هر طور شما مادران خود را حاضر کنید آنها نیز، همانطور فرزندان خودشان را حاضر خواهند کرد. نیک و بد این به عهدهٔ شما خواهد بود. یعنی مسئول حقیقی شما خواهید شد زیرا ادارهٔ فردا، دختران شما هستند.<sup>۲۳</sup>

در مقاله‌های بعد، رفیع امین خان کوشید برخی جنبه‌های نوسازی جوامع غربی تا قرن بیستم، که طی آن تحولات عظیمی در موقعیت زنان جامعه پدید آمده را یادآور و آرزومند تحولات مشابهی در ایران باشد. بنا به اظهار وی، ابعاد مختلف نتایج نوسازی جوامع غربی در موضوع زنان، عبارتند از:

حق تحصیل نامحدود؛ عدم ممنوعیت آنها در بیشتر حرفه‌ها؛ امکان مشارکت اقتصادی فعال زنان در جامعه؛ مالکیت بر اموال و دارایی‌ها؛ حق رأی دادن و امکان فعالیت سیاسی برای زنان؛ احراز پست‌های دولتی و نظایر آن.<sup>۲۴</sup>

رفیع امین خان اذعان می‌کند، علی‌رغم «احساسات تاریخی خودخواهانهٔ مردان»، اغلب مردان اروپائی و یا نظام‌های سیاسی آنان، لزوم تغییر و بهبود موقعیت زنان را احساس کرده‌اند.

دگرگونی‌های سیاسی، صنعتی شدن و درکل تغییرات اجتماعی در طول چند قرن گذشته، گسترش موج نوگرایی را سبب شده، در نتیجه انعطاف‌پذیری آنها در توجه به موضوع زنان را پدید آورده است. به باور وی، ارتقاء موفقیت زنان به دنبال جریان توسعه سیاسی و اجتماعی، خود پدیده‌ای قابل انتظار است و تنها مربوط به کشورهای چون آمریکا و انگلیس نمی‌باشد. ایران شاهد تغییرات فزاینده‌ای درسالهای پیش و پس از مشروطه گردیده ولی به دنبال این تحول، تغییر عمده‌ای در باب تحقق و تثبیت حقوق زنان صورت نگرفته است. برای مقایسه، کشور عثمانی مثال آورده می‌شود که با درک زود هنگام این موضوع، درصدد تغییر شرایط زنان جامعه خود برآمده‌اند. بنابر اظهار او:

در ممالک عثمانی نسل امروز با نسل سی سال قبل تفاوت کلی دارند و تربیه نسلان یکی از عواملی است که ذهن زمامداران عثمانی را مشغول می‌نماید و الحق در این سنوات اخیر مساعی مجدانه در این خصوص به عمل آورده و تعلیمات آنان را به درجه خوبی رسانیده‌اند. امروز زن ترک به ابزاز لیاقت موفق آمده است.<sup>۲۵</sup>

در بیشتر مباحث، نهاد متعارف خانواده به طور ریشه‌ای نفی نشده بلکه از شأن و موقعیت مدنی زنان در خانواده دفاع می‌شود. یعنی زنی که هم مادر است و هم شهروند، مادر به عنوان یک شهروند باید از ابزارهای ارتقاء اجتماعی برخوردار باشد و مادری که در تعاملات خانواده، امکان بهره‌مندی از ابزارهای ترقی مثل تحصیل، ثروت و منزلت را حائز گردد.

همچنین، در کنار بیان این تبعیض‌ها در بین روشنفکران جنبش، راههای برون‌رفت از آنها نیز تا حدود زیادی نشان داده شده است.

از نظر خیابانی، عامل اول تثبیت حقوق زنان، سازمان سیاسی جامعه و برقراری دموکراسی پارلمانی است به نحوی که رعایت حقوق مردم یا آنچه که وی «اولویت ملت بر دولت» می‌خواند، زمینه لازم برای تحقق حقوق آحاد جامعه، از جمله زنان را فراهم نماید.<sup>۲۶</sup> عامل دوم، از نظر رفیع امین خان و تقی رفعت، قرار دادن جامعه در معرض ادبیات فمینیستی، به همراه تطبیق این ادبیات با شرایط جامعه ایران می‌باشد. در چگونگی تطبیق این اندیشه با جامعه ایران، مهمترین شرط اساسی بالا بردن آگاهی جامعه زنان خواهد بود. آگاهی نیز، مستلزم فراهم کردن زمینه تحصیلات بدون قید و شرط برای این گروه اجتماعی می‌باشد. چنانکه هر دو، شواهدی ارائه می‌دهند از اینکه تحقق حقوق زنان در جوامعی اتفاق افتاده که زنان آن جامعه از طریق

کسب تحصیل در معرض آگاهی‌های مستمر قرار گرفته، از این طریق توانسته‌اند موقعیت خود را بهبود بخشند.<sup>۲۷</sup>

رفیع امین‌خان، بی‌توجهی به آموزش زن ایران در آستانه قرن بیستم را به عنوان نقطه عطف تناقض جامعه دانسته و می‌گوید: بحران ناشی از آن نه تنها خانواده، بلکه کل نظام اجتماعی را تهدید می‌کند. توضیحات او در این مرحله، مبتنی بر مشاهده او از شرایط بعضی خانواده‌هایی است که طی آن، مرد تحصیل نموده ولی زن خانه‌دار از نعمت تحصیل محروم مانده است، در نتیجه این شرایط؛ «هر فرد [تحصیل کرده] ذکور ایران، پس از تأهل، از عائله تازه تأسیس شده خود بیزار است ... یک نظرسنجی بین زوج و زوجه ایران به شما محقق خواهد کرد که میان آنها حصارهای بس متینی وجود دارد که معاشرت آن‌ها را با همدیگر غیرممکن می‌نماید. این حصارها، ناشی است از عدم موازنه و مقایسه عقل و دانش و معرفت زوج که مدرسه رفته، درس خوانده، علوم و فنون تحصیل کرده، وقتی که به زوجه خود نگاه می‌کند یک نفر لاعن شعوری را مشاهده می‌نماید و تجدیداین مشاهده اسف‌آور، یک نوع حس تنفر در او تولید می‌کند که مبدل می‌شود اول به برودت، سپس به عدم میل و رغبت به مصاحبت زوج خویش، این عدم میل و رغبت باعث فرار او از رفیقۀ خود می‌گردد» و از این رو، برای اینکه خانواده، حرکت موزون خود را در جامعه دنبال کند باید سطح آگاهی‌های متعادلی بین افراد درون خانواده برقرار گردد.<sup>۲۸</sup>

بنابراین این توضیح، با توسعه آموزش و پرورش علاوه بر مردان، در موقعیت زنان نیز تغییر ایجاد می‌گردد که نتیجه حاصله، کل جامعه را در بر می‌گیرد.

اما وظیفه تعلیم و تربیت، به عهده دو نهاد خانواده و حکومت می‌باشد. نهاد خانواده، به صورت عرفی همواره این وظیفه را عهده‌دار بوده و تنها تأکیدی که در این مورد جایز می‌باشد اینست که نوع تربیت فرزندان و بویژه، دختران باید به نحوی صورت گیرد که با مقتضیات جامعه معاصر هماهنگ باشد. واکنش و هوشیاری نسبت به ازدواج؛ تربیت «ذهنی و اخلاقی»؛ «تعلیم قوای جسمانی» و فراهم کردن زمینه حضور دختران برای نقش‌آفرینی در بیرون از خانه در مسائل اقتصادی و اجتماعی، از جمله مواردی است که امکان تحرک اجتماعی دختران را موجب می‌گردد.<sup>۲۹</sup>

از طرفی، بخش مهمی از مسئولیت تعلیم و تربیت دختران، به عهده حکومت است که در سایه تأسیس مؤسسات آموزشی، باید به این امر مهم بپردازد. چند عامل ممکن است که خانواده‌ها نتوانند در امر آموزش دختران موفقیت‌آمیز عمل کنند؛ بعضی خانواده‌ها، بر اساس باورهای سنتی، امر تحصیل برای دختران را جایز نمی‌دانند و در مواردی نیز، به دلیل نابرابری‌های اقتصادی توانایی چنین کاری برای آنها میسر نیست. از این رو، تحصیل رایگان و اجباری که از طریق دولت هدایت و نظارت می‌شود موانع تحصیل برای زنان - در کنار مردان - را از میان برخواهد داشت و به تأکید این خواسته مطرح می‌شود؛ دولت نه از روی «ترحم و دلسوزی»، بلکه از روی «احساس عدالت و انصاف»، باید مسئله تحصیل زنان را در سرلوحه اقدامات کاملاً اساسی خود قرار دهد.<sup>۳۰</sup>

## ۲- زنان و جنبش اصلاحی؛ عرصه‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در جنبش:

این قسمت بحث آشکار شد، تا حد قابل قبولی دفاع از حقوق زنان به صورت کوشش‌های نظری در اندیشه جنبش خیابانی، قرار گرفته و راه برون‌رفت آن نیز توضیح داده شده است. اما در مورد ویژگی سوم و چهارم، یعنی وجود سازمان‌ها و شبکه‌های غیردولتی زنان و اینکه زنان بتوانند برای تحقق مطالباتشان از طریق جنبش، صدای اعتراض خود را به گوش جامعه برسانند شواهدی هر چند کلی، در برخی اقدامات عملی جنبش دیده می‌شود. گرچه، محدوده ضعیف‌تری نسبت به دو ویژگی اول را داراست که به طور اجمالی به آن پرداخته می‌شود. در ابتدا لازم به ذکر است که اوضاع سیاسی آذربایجان پس از جنگ اول جهانی به گونه‌ای بود که مشارکت و هوشیاری زنان در جامعه را ایجاد می‌کرد. پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، نخست سربازان روسی به تاراج شهرهای آذربایجان پرداختند. مقارن با آن، یک شورش سیاسی خانمانسوز دیگر توسط مسیحیان به صورت تهاجم به غرب آذربایجان آغاز شد و تا سال ۱۳۳۷ هجری، امتداد یافت. بعد از آن کردها به رهبری اسماعیل سیمیتقو، دنباله تهاجمات را پی گرفتند. شورشگران، در این سالها تا آنجا که در توان داشتند به غارت و کشتارهای اهالی بومی، به قصد تصرف اراضی غربی آذربایجان پرداختند. دموکرات‌های تبریز که اخبار این فجایع را به صورت گسترده‌ای در تجدد و درمیتینگها بازتاب می‌دادند، وقتی استمدادهای آنها از دولت برای یاری رساندن به مردم نتیجه‌ای نداد، درصدد برآمدند بخشی از تبلیغات را معطوف به آماده‌سازی و هوشیاری خود مردم نمایند.

در این هنگام، شاید درخشانده‌ترین کار را رخشنده زن امیرامجد ماکوئی - از سران ذینفوذ شهر خوی - انجام داد. او با تشکیل کمیته‌ای به نام «کمیته دفاع از غرب آذربایجان»، اقدام به جذب اعضاء زن نمود که شاخه نظامی کمیته زنان مسلحی را در اختیار داشت که در کنار مردان می‌جنگیدند و بخش تبلیغی کمیته، اعضاء زن را به شهرها گسیل می‌داشت که مردم را آگاه نموده و آنها را به مبارزه ترغیب نمایند. این اقدام، مورد حمایت دموکرات‌ها واقع گشت. رخشنده در نوروز ۱۲۹۷ ه.ش، اولین بیانیه کمیته را در تجدد به چاپ رساند که در آن، با شرح مختصری از اعمال و اهداف دشمنان، از جامعه زنان خواسته شد، با هدف دفاع از تمامیت اراضی آذربایجان متحد و مجهز شوند. در بخش‌هایی از این بیانیه، می‌خوانیم:

... برخیزید! ای خواهران! ... بعد از این دیگر ما را سزاوار نیست که در خانه‌هایمان نشسته لاقید لاقیدانه، وطن و ناموس و ملیت و افتخار خودمان را در معرض تهدید بگذاریم! ... در مدافعه وطن، زنان کمتر از مردان ملکف نیستند! بلکه وظیفه زنان، عالیتر از آن مردان می‌باشد. ما، باید مردان خود را به ایفای لازمه فتوت و قیام به اجرای وظیفه دفاع از وطن، تشویق و هدایت نمائیم! ... من اطمینان کامل دارم، در این قرن تمدن، در میان خواهران ایرانی من، هیچ یک پیدا نخواهد شد که از ادای تکلیف خواری کوتاهی ورزند ... پس از این اقدامات و پیش‌قدمیها، خود را ذیحق می‌دانم که بگویم: ای خواهران ... به ایفای وظیفه وطن خواهی قیام کنید! تمام برادران و فرزندان خودشان که در سن خدمت و در خور برداشتن تفنگ هستند، از خانه خارج نموده، برای دفاع از جان و ناموس خواهران و برادران ارومیه و سلماس و صفحات غربی آذربایجان به میدان مبارزه روانه کنید. امروزه، وطن از دختران خودش وفاداری و غیرت می‌خواهد.

خوی: جمادی الاول ۱۳۳۶ ه.ق.<sup>۳۱</sup>

علاوه بر این، گردانندگان جریده تجدد با گزینش مقاله‌هایی از تاریخ انقلابات جهان و نقش زنان در آنها،<sup>۳۲</sup> به نحوی عمل می‌کردند تا با راه اندازی جریان تبلیغی بتوانند زمینه مشارکت زنان را در جنبش، فراهم نمایند. با کوشش‌های فراوان تا سال ۱۳۳۸ هجری، گروهی از زنان به حزب دموکرات آذربایجان به رهبری خیابانی پیوستند. روزنامه تجدد از این گروه، با نام «محفل زنان تجددگرایان آزادستان»،<sup>۳۳</sup> نام می‌برد. این گروه، در مراسم گوناگون شرکت می‌جستند و کادر رهبری جنبش آماده بود که نظر آنها را در باب مسائل گوناگون، مورد توجه قرار دهد.<sup>۳۴</sup>

از دیگر اقدام‌های عملی جنبش برای دفاع از حقوق زنان، می‌توان از تلاش‌های فراوان دموکرات‌ها برای تبلیغ و یا تأسیس مدارس و مؤسسات آموزشی برای دختران نام برد. در فاصله

سال‌های ۳۸-۱۳۳۵ هجری، روند تأسیس و توسعه مدارس دخترانه به صورت چشم‌گیری افزایش یافت که گستره فعالیت آن را می‌توان در بیشتر شهرهای آذربایجان از جمله در اردبیل، سراب، شبستر، شرفخانه، مراغه، ارومیه، ساوجبلاغ (مهاباد)، اسکو، زنجان، همدان و ... مشاهده نمود.<sup>۳۵</sup> از نکات قابل توجه در مورد مؤسسات آموزشی دخترانه آنست که عمده آنها رایگان بود و یا حداقل، امکان یک سال تحصیل مجانی برای افراد کم درآمد مسیر بوده است.<sup>۳۶</sup>

شایان ذکر است، در کنار گفتگوهای رایج برخی اعضاء جنبش پیرامون حقوق سیاسی-مدنی زنان، خانم شمس کسائی که از اعضاء دموکرات‌های تبریز بود، با چاپ اشعار مختلفی تنوع ادبیات فمینیستی را گسترش داد.

کسائی، در سال ۱۳۰۱ ه.ق. / ۱۸۹۳ م، در یزد زاده شد و پس از ازدواج با ارباب‌زاده که تاجر چای بود به عشق‌آباد مرکز ترکمنستان کنونی رفت و پس از چهارده سال، به دنبال ورشکستگی شوهرش در سال ۱۳۳۶ ه.ق. / ۱۹۱۸ م، به همراه همسر و فرزندانش (صفا، اکبر و کریم)<sup>۳۷</sup> به آذربایجان ایران آمده و در تبریز اقامت گزید. او که زنی روشنفکر با تمایلات آزادیخواهانه بود، به اعضاء سازمان جنبش پیوست و به میانداری رفعت، اشعار فراوانی را در تجدد و مجله ادبی آزادیستان به چاپ رساند.<sup>۳۸</sup> مضمون اشعار او در زمینه زنان، شامل نقد جامعه مرد سالار؛ انتقادهای جهت‌دار از سنت‌ها و طرز تلقیات جامعه نسبت به زنان؛ انتقاد از نبود آگاهی زنان و محرومیت آنها جهت مشارکت در مسائل اجتماعی و تلاش برای بهبود بخشیدن منزلت اجتماعی زنان در جامعه می‌باشد. اشعار او، در جریده تجدد، ذیل عنوان «ادبیات در عالم نسوان»، به چاپ می‌رسید. برای نمونه:

مطلب بهت آورست عالم نسوان!  
حاصل از این خط و خال و زلف پریشان  
عائله مسلمین خصوص در ایران  
ما زاناث و ذکور سربگربیان  
ملت مأیوس سرفکنده نادان!!  
چاره نما ورنه مشوی پیشیمان  
چون رسد این وقت هرج و مرج پایان.<sup>۳۹</sup>

در بر اهل یقین و صاحب وجدان  
خلقت بی حسن زن نمیبرد آخر  
می‌گذرد قرن‌ها نکرده تفاوت  
دوره آزادی است و عصر خلاصی  
تا کی و تا چند در فلاکت و ذلت  
مورد بحث است تا فضاء کنونی  
جامه غفلت چه سود چاک نمودن

در مراسم گاردن پارتی که معمولاً به همت دموکرات‌های تبریز برای بزرگداشت یاد و خاطره جان‌باختگان مشروطه‌خواه آذربایجان برگزار می‌شد، یکی دیگر از اشعار<sup>۴۰</sup> کسائی را، دختر هفت ساله‌اش صفا خواند و در انتها، رو به مخاطبان خود گفت:

ای پدران! ای آقایان! خواهش می‌کنم، هر گونه رفتاری که با پسران خود دارید. با ما نیز - دختران شمائیم - آنگونه رفتار نمایید. در تربیت ما هم بکوشید. تا ما دختران، کم‌تر از برادران خودمان و پست‌تر و بی‌علم‌تر نباشیم.<sup>۴۱</sup>

چاپ این سخنان در تجدد، به صورت معنی‌داری حکایت از آن دارد که جنبش در طرفداری از موضوع جنس مؤنث، فرصتی برای این گروه اجتماعی فراهم ساخته که بتوانند صدای اعتراض خود را به گوش جامعه و دولت برسانند. از این رو، می‌توان گفت جنبش برای عمومی کردن ادبیات فمینیستی از نوعی عمل‌گرایی پیروی می‌کند. چنانچه، کسائی در نامه تشکری که در تجدد به چاپ رساند، اظهار خرسندی می‌کند که او و دیگر زنان تبریز، توانسته از طریق زمینه‌هایی که جنبش برای آنها فراهم ساخته در مسائل مربوط به «حیات اجتماعی»، شرکت جویند.<sup>۴۲</sup>

موارد اشاره شده، نمونه‌های جسته و گریخته‌ای از چگونگی مشارکت زنان، در فاصله سال‌های ۳۸-۱۳۳۵ هجری، در آذربایجان می‌باشد. باین حال، آنچه در اندیشه‌های جنبش به عنوان یک گفتمان رونق‌گیر مطرح است، گفتمانی است که از حقوق و موقعیت برابر زنان در عرصه عمومی دفاع می‌کند که جهت عمده آن، تبدیل نگرش خانواده مردسالار به خانواده برابر می‌باشد. در ضمن، رفیع امین‌خان و رفعت می‌کوشیدند برخی دعاوی فمینیستی به شیوه آراء غربی که زنان را برتر از مردان دانسته و یا آزادی‌های بی‌حد و مرزی برای آنان قائل می‌شدند را مردود شناخته و حتی دلایلی را مطرح نمایند که اینگونه ادعاها در کشورهای اروپائی نیز، با شکست روبرو شده است.<sup>۴۳</sup> و با این دیدگاه، تلاش آنها براین اصل استوار بود که ادبیات فمینیستی را با جامعه حساس آذربایجان به نحوی تطبیق نمایند که شرایط رشد آن در جامعه، به عنوان یک گفتمان قابل پذیرش فراهم گردد.

## نتیجه

بحث در باب حقوق اجتماعی و مدنی زنان، به مثابه اندیشه‌ای در جنبش خیابانی است که به سازماندهی زنان در توسعه پایدار اجتماعی می‌انديشد. برای رسیدن به این مقصود، نظریه‌پردازان جنبش طرح سؤال‌ها، بیان راه‌حل‌ها و راه‌های برون‌رفت از آنها را مفیدتر یافته‌اند. نظریه فمینیستی در گفتمان جنبش برای بهبود موقعیت زنان ایرانی نتیجه واضحی از این تلاش کلی است.

گفتمان اصلاحی در مورد زنان و دیدگاه‌های مرتبط با آن، زن و مرد را به یک اندازه ترغیب کرده تا در مورد گذشته تغییرات جدیدی را پذیرا باشند و برای رفع تقابل دوگانه بین معاصر شدن زنان و ساختارهای فکری از پیش موجود جامعه، سعی بر آن بود که حتی‌الامکان الگوهای تغییر با شرایط جامعه ایران منطبق و مطرح شود. حق داشتن کار، پرداختن به تحصیلات رسمی، تساوی اقتصادی، تعادل اجتماعی و نظایر آن از جمله حقوق نوین زنان است که در اندیشه‌های جنبش به آن تأکید شده است.

از دیگر چشم‌اندازهای این گفتمان آن بود که زنان مستقلاً و یا با تشکیل جمعیت‌هایی بتوانند صدای اعتراض و نوع مطالبات خود را به گوش جامعه و دولت برسانند و چنانچه بر اثر تمهیدات فراوان مبشران جنبش، زمینه‌ای فراهم شد که زنان به عنوان بخشی از پایگاه جنبش در پاره‌ای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شرکت جویند.

## پی‌نوشت

۱- برخی تحقیقات مستقل، در این باره عبارتند از: بشری دلریش، زن در دوره قاجاریه، تهران، حوزه هنری، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵؛

"Moghadam Valentine" Hidden from History? Women workers in Modern Iran", Iranian Studies, Vol.33, No. 3-4, summer fall 2000, PP. 377-401; Janet Afary, The Iranian Constitutional Revolution, 1911-1906: Grassroots Democracy, Social Democracy, and the origins of Feminism, New York, Columbia university press, 1996).



۲- فمینیسم به کوشش‌های نظری و عملی، به نفع زنان گفته می‌شود. این کوشش‌ها ممکن است در جامعه به شکل گفتمان‌ها و ایدئولوژی فمینیستی، یا اقدامات عملی از زنان، خود را نشان دهد ولی به آن جنبش زنان نمی‌توان گفت. ممکن است سالها کوشش‌های فمینیستی در یک جامعه جریان داشته باشد ولی تنها در دوره و شرایط خاص، جامعه شاهد جنبش زنان شود. بنابراین، جنبش زنان به آن کوشش‌های فمینیستی گفته می‌شود که از چهار ویژگی اشاره شده برخوردار باشند. توجه به مبارزات در تاریخ جوامع مدرن تفکیک فوق را بهتر روشن می‌کنند. کوشش‌های فمینیستی، از قرن ۱۷ شروع شد ولی تا دهه ۱۹۶۰ در اکثر کشورهای غربی، خبری از جنبش مستقل زنان نبود. در موج اول، تنها در انگلیس و امریکا تا حدودی شاهد تبدیل حرکت فمینیستی به جنبش زنان هستیم و پس از آن، این جنبش‌ها خاموش شد، چون پاره‌ای از مطالبات زنان تحقق یافت. از ۱۹۶۰ به بعد، یعنی در موج دوم حرکت فمینیستی، شاهد رشد فزاینده جنبش مستقل در کشورهای غربی هستیم. به بیان دیگر، تاریخ جوامع مدرن نشان می‌دهد که مبارزات فمینیستی همواره با شدت و ضعف در بطن این جوامع وجود داشته، ولی فقط گهگاه تبدیل به یک جنبش زنان شده‌اند. نک. حمیدرضا جلائی پور، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱، ص ۹۵-۹۴ و همچنین، برای آگاهی بیشتر از سیر تحول جنبش‌ها و گفتمان‌های فمینیستی در تاریخ جوامع اروپایی، نک. لارنس کهون، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ویراستار فارسی عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی، چ ۶، ۱۳۸۷، ص ۵۰-۶۳۷ و

Jane Freedom, *Feminism (Concepts in Social Sciences)*, Open University Press: Bukingham, Philadelphia, 2001, pp.2-6.

۳- جلائی پور، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، ص ۹۶-۹۵.

۴- بخشی از اطلاعات این تحقیق، درمورد زندگی دکتر رفیع امین خان بر گرفته از «اعلان»هایی می‌باشد که در تجدد، جهت معرفی تخصص و خدمات پزشکی او در تبریز به چاپ رسیده است. برای آگاهی، نک. تجدد، سال اول، ش ۱۳ (۹ شعبان ۱۳۳۵ ه.ق)، ص ۱؛ همان، سال اول، ش ۱۵، (۲۰ شعبان ۱۳۳۵ ه.ق)، ص ۲؛ همان، سال اول، ش ۲۸ (۱۳ شوال ۱۳۳۵ ه.ق)، ص ۳ و همان، سال اول، ش ۳۶، (۱۶ ذیقعد ۱۳۳۵ ه.ق)، ص ۴.

۵- فمینیست، «عالم نسوان: زنان ما»، همان، ش ۳۷، نمره مسلسل ۱۷۳ (۶ جمادی الاول ۱۳۳۸ ه.ق)، ص ۴.

۶- میرزا تقی رفعت در ۱۳۰۸ ه.ق/۱۸۹۰م، در تبریز متولد شد. پدرش آقا محمد تبریزی از آذربایجانیان مقیم طرابوزان ترکیه بود که رفعت را به منظور انجام تحصیل به آن کشور فراخواند. او پس از اتمام تحصیلات ابتدائی و عالی‌اش در مدارس به سبک جدید استانبول، مدیر دبستان ناصری طرابوزان شد که توسط آذربایجان‌های مهاجر بنیان گذاشته شده بود. وی در همین هنگام به کارهای

نویسندگی و روزنامه‌نگاری پرداخت و به خاطر مقاله‌های علمی، ادبی و سیاسی که در جراید فرانسوی زبان ترکیه به چاپ می‌رساند، دولت فرانسه توسط کنسول خود، مدال افتخاری را به وی اعطا کرد. رفعت، در اثنای جنگ اول (۱۳۳۴ هـ.ق/۱۹۱۲ م.) به تبریز بازگشت و به تدریس زبان‌های ترکی و فرانسه در دبیرستان متوسطه تبریز (محمدیه) پرداخت. وی، در فلسفه، تاریخ، جغرافی، هندسه، رسم و نقاشی تبحر فراوان داشت. ولی بیشترین شهرتش به خاطر مقاله‌ها و شعرهایی بود که به زبان ترکی، فارسی و فرانسه منتشر ساخته است. رفعت در سال ۱۳۳۵ هـ.ق/۱۹۱۷ م.، به جمع دموکرات‌های تبریز پیوست و به خاطر آشنایی او با مسائل ادبی، مسئول دستگاه تبلیغات آن گروه سیاسی شد. به ویژه، نقش وی آن بود که به همراه ابوالقاسم فیوضات، «جریده تجدد» ارگان حزب دموکرات آذربایجان را اداره و مقاله‌های فنی آن را تنظیم کند. علاوه بر این، در هنگام قیام دموکرات‌ها - رجب تا ذیحجه ۱۳۳۸ هجری، - مجله ادبی آزادستان را منتشر کرد که چهار شماره از آن (از خرداد تا شهریور ۱۲۹۹ هـ.ش). انتشار یافت. بخشی از اطلاعات در مورد رفعت و فعالیت‌های علمی‌اش، برگرفته از توضیحات خود او در مجله آزادستان می‌باشد. برای آگاهی، نک. آزادستان، ش ۳ (۲ مرداد ۱۲۹۹ هـ.ش). ص ۳۲-۳۱ و برای آگاهی از جزئیات بیشتری در مورد رفعت، نک. یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما: تاریخ ۱۵۰ ساله ادبی فارسی، جلد دوم: آزادی و تجدد، تهران، زوار، چ ۴، ۱۳۷۲، ص ۳۵-۲۲۲؛ احمد کسروی، قیام شیخ محمدخیابانی، ویرایش و مقدمه محمدعلی همایون کاتوزیان، تهران، نشر مرکز، چ ۲، ۱۳۷۸، ص ۲۵-۱۲۲؛ اسنادی از مشاهیر ادب و معاصر ایران، گردآوری و پژوهش علی میرانصاری، دفتر اول، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶، ص ۳۴-۴۳۲؛ محمدعلی صفوف، داستان دوستان [محل انتشار و نام ناشر معلوم نیست]، ص ۸۲ و شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۱، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰، ص ۵۶-۵۰.

۷- در بیان جنبه‌های فرهنگی حقوقی زنان، رفعت اصطلاح موقعیت یا «تفاوت معنوی» را بکار می‌برد. نک، فمینا «عالم نسوان: زنان بزرگ، مادام ویلسن»، تجدد، ش ۵۸، نمره مسلسل ۱۲۹ [تاریخ نشر معلوم نیست]، ص ۴.

۸- همان. رفیع امین خان نیز، همین دوره تاریخی در مبارزات فمینیستی اروپا را در چهارچوب جنبه آموزشی و علمی زنان آورده است، نک فمینیست «عالم نسوان: نسوان مشهور عالم»، همان، ش ۳۸، نمره مسلسل ۱۷۴ (۲۲ ذیقعد ۱۳۳۸ هـ.ق)، ص ۴.

۹- برای نمونه‌ای دیگر از انتقاد از چهارچوب‌های مسلط جامعه سنتی ایران در مورد زنان، نک. هاشم کلانتری «عالم نسوان، رفیقهای آینده»، آزادستان، ش ۳، پیشین، ص ۳۹-۳۸.

۱۰- برای نمونه، نک. فمینیست «زنان ما»، تجدد، ش ۳۷، نمره مسلسل ۱۷۳، پیشین، ص ۴.

۱۱- فمینا «عالم نسوان: مد»، همان، ش ۴۵، نمره مسلسل ۱۸۱، ص ۱۷ رجب ۱۳۳۸ هـ.ق)، ص ۴.

۱۲- همان.

۱۳- همان. ونیز، فمینا «عالم نسوان: مد-۲»، همان، ش ۴۶، نمره مسلسل ۱۸۲ (۱۸ جمادی الثانی ه.ق.)، ص ۴؛ فمینا «عالم نسوان: مد-۳»، همان، ش ۴۷، نمره مسلسل ۱۸۳ (۴ شعبان ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴ و فمینا «بازمدپرستی»، همان، ش ۵۵، نمره مسلسل ۱۹۱ (۲۴ رمضان ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴.

۱۴- همان، ش ۳، نمره مسلسل ۱۹۹، (۲۲ ذیقعدۀ ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۳.

۱۵- همان، ش ۵۹، نمره مسلسل ۱۹۵، (۱۷ شوال ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۲-۱، محتوای یکی از اشعار شمس کسائی، به این موضوع می‌پردازد که تکیه به تقلیدهای کورکورانه، علاوه بر اینکه اساس مسئله دربارهٔ هویت زنان ایران را حل نمی‌کند، بلکه بر نابرابریهای بین زن و مرد دامن می‌زند:

#### مد و محبت

مجبور مدپرستی و قید توالی است	زن را کز احتیاج به جلب محبت است
تحت فرمان و اطاعت تا به کی؟	آخر این جلب محبت تا به کی؟
تا به کی تحمیل منت تا به کی؟	مورد طعن و ملامت تا به کی

برای، این شعر، نک. شمس کسائی، «مد و محبت»، همان، ش ۵۹، نمره مسلسل ۱۹۵، پیشین، ص ۴.  
۱۶- در این نمایشنامه روسی، زنی که مرد نادانش در بستر بیماری است وارد مناسبات عاشقانه با جوانی می‌شود و مرد بیمار هم زنش را در این کار کمک می‌کند. اعمال مرد بیمار در نمایش، موجب خندۀ تماشاگران می‌گردد. همان، ش ۵۲، نمره مسلسل ۱۸۸ (رمضان ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴.

۱۷- همان.

۱۸- همان.

۱۹- همان، ش ۴۷، نمره مسلسل ۱۸۳، پیشین، ص ۴، فمینا «موفقیت زن از هیئت اجتماعی»، همان، ش ۴۸، نمره مسلسل ۱۸۴ (۱۰ شعبان ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴.

۲۰- همان، ش ۵۵، نمره مسلسل ۱۹۱، پیشین، ص ۴.  
۲۱- فمینیست «عالم نسوان: مادران فردا»، همان، ش ۳۹، نمره مسلسل ۱۷۵ (جمادی الاول ۱۳۳۸ ه.ق.)،

ص ۴.

۲۲- همان.

۲۳- همان.

۲۴- فمینیست، «عالم نسوان: ترقی نسوان اروپا»، همان، ش ۴۰، نمره مسلسل ۱۷۶ (۴ جمادی الثانی ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴.

- ۲۵- همان و برای نظراتی مشابه، نک. فمینیست «عالم نسوان: جنگ بین‌المللی و عالم نسوان»، همان، ش ۴۳، نمره مسلسل ۱۷۹ (۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴.
- ۲۶- برای آگاهی از دیدگاه‌های خیابانی در این باره، نک. همان، ش ۱۱، نمره مسلسل ۱۴۷ (۳۰ ذیقعدة ۱۳۳۷ ه.ق.)، ص ۲؛ همان، ش ۴۷، نمره مسلسل ۱۸۳، پیشین، ص ۳؛ همان، ش ۴۹، نمره مسلسل ۱۸۵ (۱۷ شعبان ۱۳۳۸)، ص ۲؛ همان، ش ۵۲، نمره مسلسل ۱۸۸، پیشین، ص ۱ و همان، ش ۵۸، نمره مسلسل ۱۹۴ (۱۲ شوال ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۲-۱.
- ۲۷- همان، ش ۳۷، نمره مسلسل، ۱۷۳، پیشین، ص ۴؛ همان، ش ۳۸، نمره مسلسل، ۱۷۴، پیشین، ص ۴؛ همان، ش ۵۸، نمره مسلسل ۱۲۹، پیشین، ص ۴. و برای دیگر تأکیدهای مشابه، همان، سال اول، ش ۱۵، پیشین، ص ۳ و همان سال اول، ش ۱۸، (۱ رمضان ۱۳۳۵ ه.ق.)، ص ۳.
- ۲۸- همان، ش ۳۷، نمره مسلسل ۱۷۳، پیشین، ص ۴.
- ۲۹- فمینیست «عالم نسوان: در تربیه دختران»، همان، ش ۴۱، نمره مسلسل ۱۷۷ (۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴.
- ۳۰- فمینیست «در تربیت دختران ما»، همان، ش ۴۲، نمره مسلسل ۱۷۸ (۱۸ جمادی الثانی ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴.
- ۳۱- «به نام وطن گرامی»، همان، سال دوم، شماره فوق العاده نوروز یونت نیل ۱۲۹۷ ه.ش، ص ۲۳-۲۴.
- ۳۲- برای نمونه، نک. «زنان انقلابی، تعصب انقلابی یک مادر مکتسکائی»، همان، سال دوم، ش ۱۲۸ (۱۷ شعبان ۱۳۳۶ ه.ق.)، ص ۲.
- ۳۳- همان، ش ۵۲، نمره مسلسل ۱۸۸، پیشین، ص ۴.
- ۳۴- همانگونه که ذکر شد، یکی از زنان این محفل مضمون یک نمایشنامه کم‌دی روسی به نام «من مرده‌ام» را، معایر با ارزش‌های جامعه زنان آذربایجان می‌دانست و انتقادش، در مقاله‌ای به نام «صنعت و اخلاق» از طرف تقی رفعت در تجدد، به چاپ رسید. برای آگاهی نک. همان.
- ۳۵- اسامی برخی مهمترین مدارس و آموزشگاه‌های دخترانه در شهرهای اشاره شده عبارتند از اناثیه (چندین مدرسه با همین نام) عصمت، شوکتیه، نوبر، فرهنگ، ناموس، مخدرات، مدرسه سن‌نسان فرانسوی و ... برای آگاهی، نک. همان، سال اول، ش ۱۵، پیشین، ص ۴-۳؛ همان سال اول، ش ۱۸، پیشین، ص ۳؛ همان، سال اول، ش ۴۲ (۷ ذیحجه ۱۳۳۵ ه.ق.)، ص ۴، همان، ش ۱۱، نمره مسلسل ۱۴۷، پیشین، ص ۴، همان، ش ۵۰، نمره مسلسل ۱۸۶ (۲۳ شعبان ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴، همان، ش ۵۳، نمره مسلسل، ۱۸۹ (۱۰ رمضان ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۴؛ همان، ش ۶۰، نمره مسلسل، ۱۹۶ (۲۳ شوال ۱۳۳۸ ه.ق.)، ص ۳.

۳۶- برای نمونه، نگاه کنید به توضیحات ارائه شده در مورد تحصیل در مدرسه لیل آباد و حشمت در

شهر تبریز، همان، ش ۵۰، نمره مسلسل ۱۹۶، پیشین، ص ۴.

۳۷- کریم اربابزاده، از اعضاء فعال جنبش جنگل بود که در جریان سرکوب جنبش، توسط نیروهای

دولتی کشته شد. ابوالقاسم لاهوتی، دیوان، مسکو، اداره نشریات به زبانهای خارجی، ۱۹۴۶، ص ۴۵۱.

۳۸- شمس کسائی، به زبانهای روسی و ترکی آذربایجانی تسلط کامل داشت. وی پس از سرکوب

جنبش خیابانی و فوت همسرش، به سال ۱۳۰۷ هـ.ش، به همراه دخترش صفا به یزد بازگشت و با

شخص دیگری به نام محمد حسین آشتیان ازدواج کرده و بعد از آن زندگی و خانواده‌اش را به تهران

منتقل نمود. سالهای پایانی عمر او در تهران به گوشه‌نشینی و عزلت گذشت و در سال ۱۳۴۰ هـ.ش،

وفات یافت. همان و نیز، نک. لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، ۹۱-۸۶.

۳۹- شمس کسائی، تجدد، ش ۴۱، نمره مسلسل ۱۷۷، پیشین، ص ۳.

۴۰- «در دمه اردی بهشت، دهر جوان شد، وقت خوشی و جشن و عیش عالمیان شد،

ظلمت شب رفت و آفتاب عیان شد متحد الحال شرق و غرب جهان شد؛

نوبت آسودگی رنجبران شد؛ غیرت ایرانیان بقیمت جان شد؛

هر چه شد و شد، به اقتضای زمان شد!

برای این شعر، نک. شمس کسائی، همان، ش ۵۰، نمره مسلسل ۱۸۶، پیشین، ص ۴.

۴۱- همان.

۴۲- همان، ش ۵۲، نمره مسلسل ۱۸۸، پیشین، ص ۴.

۴۳- برای استدلال‌های آنها در این رابطه، همان، ش ۴۰، نمره مسلسل ۱۸۱، پیشین، ص ۴ و همان،

ش ۵۵، نمره مسلسل ۱۹۱، (۲۴ رمضان ۱۳۳۸ هـ.ق.)، ص ۴.

